



مقدمه

با گذشت نزدیک به سه ماه از بحران کشمیر، نه تنها پرده‌های ضخیم بی‌اعتمادی و تنش میان هند و پاکستان کمتر نشده است، بلکه وارد مرحله جدیدی شده است و یک بار دیگر، زمزمه ناباورانه جنگ از دره‌های سرسبز کشمیر به گوش می‌رسد.

پس از ناآرامی‌هایی که ۹ جولای به دنبال کشته شدن برهان وانی از حزب المجاهدین، گروه شبه نظامی مورد حمایت پاکستان در منطقه جامو و کشمیر هند در این منطقه پدید آمد و تاکنون منجر به کشته شدن نزدیک به ۹۰ غیرنظامی و زخمی شدن ۳ تا ۸ هزار نفر شد، هنوز در این منطقه حکومت نظامی برقرار است و درگیری‌ها میان نیروهای دولتی هند و مردم معترض ادامه دارد. تنش دیپلماتیک میان دو طرف همچنان تعیین‌کننده است و حتی به تریبون مجمع عمومی سازمان ملل هم کشیده شده است. هر دو سوی درگیری در حال تلاش برای شکل‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی بر علیه دیگری است و یکدیگر را به پشتیبانی از تروریسم و ایجاد ناامنی در کشور مقابل متهم

می‌کنند. در این میان، یک رویداد کلیدی به وقوع پیوست که این تنش دیپلماتیک را تا مرز یک درگیری مسلحانه ارتقاء داده است.

در حقیقت، اگر کشته شدن برهان وانی را نقطه آغاز این رویداد در نظر بگیریم، نخستین نقطه عطف مهم در این زنجیره رویدادها اظهارات نارندرا مودی در روز استقلال هند، ۱۵ اوت بود که به شکل بی‌سابقه‌ای از دخالت پاکستان در امور به زعم او داخلی کشمیر انتقاد کرده و اظهار داشت که پاکستان پیش از هر چیز باید به دنیا در مورد رفتارش با شهروندان خود در بلوچستان توضیح دهد. گفته شده است که مودی در اظهار این سخنان بی‌سابقه، آن هم در روز استقلال هند که از یک سو نقطه اوج تمرکز رسانه‌های گروهی است و از سوی دیگر به طور سنتی سخنرانی‌های نخست وزیر در این روز بر محور مسائل داخلی هند ارائه می‌شده است، تا حد زیادی زیر تأثیر برخی از اعضای کابینه خود و به ویژه پاریکار، وزیر دفاع هند بوده که اصرار داشته باید «هرکاری لازم است برای ساکت کردن پاکستان انجام داد.» در هر حال، این سخنان با واکنش جدی

نیز از این موضوع حمایت کرده و وضعیت نه چندان با ثبات پاکستان در نظام بین‌الملل و پشتیبانی ایالات متحده از هند، این تصمیم را تسهیل خواهد کرد. ضمن اینکه خریدهای تسلیحاتی قابل توجه هند در سال‌های اخیر دلالتی پررنگ از نیت‌های خصمانه این کشور در نظر گرفته خواهد شد.

اما به احتمال زیاد، چنین تحلیلی به دلیل عدم مطابقت با واقعیت‌های ساختار توزیع نیروها در منطقه با دشواری روبه‌رو خواهد شد. محدودیت‌های ساختاری مشخصی در روابط میان دو کشور وجود دارد که قاعدتاً مانع از شکل‌گیری یک جنگ تمام عیار خواهد شد. هر دو کشور مسلح به زرادخانه‌های اتمی هستند و علاوه بر آن، رهبران هند به خوبی از قابلیت‌های پاکستان در ایجاد ناامنی در داخل هند از مسیرهای نامتعارف آگاه هستند.

اما حتی سناریوی دوم هم از وخامت اوضاع در منطقه نخواهد کاست. در حقیقت، مشکل اصلی در منطقه این است که روابط قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای در آن به شکل فزاینده‌ای در حال قطبی شدن است. با رشد مؤلفه‌های قدرت ملی چین طی دهه اخیر به عنوان یک قدرت در حال ظهور و به دنبال آن، تقویت حضور ایالات متحده در منطقه، یک دوقطبی حافظ وضع موجود/ تجدید نظر طلب به سرعت در حال شکل‌گیری در آسیا است و هر کدام در حال یارگیری هستند. هند و پاکستان به عنوان شرکای اصلی (به ترتیب) ایالات متحده و چین در منطقه، در کانون این رقابت قرار دارند. از این رو، خطر اصلی بحران کشمیر این است که صرف نظر از اینکه به یک درگیری مسلحانه محدود و یا جنگ تمام عیار تبدیل بشود یا خیر، خواه ناخواه تلاطمی را در روابط میان دو قطب درگیر به وجود بیاورد که هم

پاکستان همراه بود و مقام‌های این کشور، این دخالت آشکار در مسائل داخلی خود را عبور هند از خط قرمز دانسته و مدعی شدند این اظهارات نشانه‌ای واضح بر تأیید ادعای آن‌ها مبنی بر پشتیبانی هند از تروریست‌ها در بلوچستان پاکستان است. از این به بعد، تنش با سرعت کم‌سابقه‌ای رو به افزایش رفت تا اینکه در ۱۸ سپتامبر، به دومین نقطه عطف خود از زمان شروع ناآرامی‌ها رسید و آن، کشته شدن ۱۹ سرباز هندی طی یک درگیری با شبه نظامیان در منطقه اوری هند بود. واکنش هند به این اقدام بسیار جدی و سخت‌گیرانه بوده است: بلافاصله به ارتش دستور داده شد تا مواضع را در مرز مشترک با پاکستان تقویت نمایند و ارتش، توپخانه سنگین خود را در خط کنترل مرزی (که توسط سازمان ملل کنترل می‌شود) مستقر کرد؛ مودی اتاق جنگ تشکیل داد و بر اساس برخی گزارش‌ها تا ۶۵ درصد از اهالی منطقه خانه‌های خود را تخلیه کرده‌اند. وزیر دفاع هند هم رسماً از مودی درخواست کرده است تا مجوز یک «جنگ محدود برای تنبیه پاکستان» را صادر نماید. البته در مقابل این وضعیت، پاکستان هم واکنش نشان داده است و مواضع خود را منطقه تقویت کرده است.

حاصل اینکه در وضعیت حاضر، اوضاع و احوال منطقه بسیار شبیه به وضعیت جنگی است. اما پرسش اصلی این است که آیا وقوع جنگ تمام عیار میان دو کشور در حال حاضر محتمل است؟

اگر از منظر یک روانشناس سیاسی به این موضوع بنگریم، احتمال شکل‌گیری یک جنگ میان هند و پاکستان، قابل توجه است. مودی انگیزه شخصی برای یک درگیری مسلحانه با همسایه مسلمان و دشمن قسم خورده هند را دارد؛ کابینه او



ایالات متحده و هم چین تا کنون با وسواس از آن دوری کرده‌اند. چین همین حالا هم برای حمایت رسمی از پاکستان در بحران کشمیر از سوی این کشور زیر فشار قرار دارد. ایالات متحده هم هرچند تاکنون نشانه‌ای از تمایل به اشتراک در دغدغه‌های امنیتی هند در مرزهای شرقی این کشور بروز نداده است، شاید مگر به جز تعلیق کمک نظامی خود به پاکستان با تصمیم کنگره، با این حال در صورت ورود چین به قضیه یا تشدید درگیری‌ها ناگزیر از واکنش خواهد بود و این واکنش را با توجه به علاقه آشکار خود به جلب نظر هند صورت خواهد بخشید. روسیه هم به دنبال ماجراجویی‌های اخیر خود، با اجرای یک رزمایش نظامی مشترک با پاکستان به صورت محدود چند روز پس از تقویت خط کنترل از سوی هند نشان داد نسبت به ورود به این قطب‌بندی بی‌میل نیست. به این ترتیب، درک این نکته که بحران کشمیر قابلیت اشتعال بالایی دارد نیاز به مجادلهٔ چندانی ندارد.

یک مسئلهٔ جانبی، و البته بسیار مهم برای ایران، تأثیر این قضیه بر رابطه ایران و هند است. هند به دلایل مختلفی پس از برجام تلاش کرده است یک مجموعه از همکاری‌های بلندمدت و زیرساختی را در ایران در پیش بگیرد و ایران هم به دلایل مختلفی این مسئله را به شکل جدی در دستور کار قرار داده است. آغاز این همکاری مثبت ارزیابی می‌شود، اما تنش‌هایی از این دست میان شریک مردم و زودرنج با همسایهٔ مشکل‌دار و همواره-مظنون ایران، این نهال نوپا را با دشواری‌های زیادی روبه‌رو خواهد کرد؛ به ویژه اگر موضوع مورد مناقشه میان این دو، ارتباطی با اقلیت مسلمان ساکن در یک کشو غیر مسلمان داشته باشد.

به طور مشخص، همکاری هند و ایران در مورد بندر چابهار و خط ترانزیت به افغانستان از همان ابتدای کار هم توسط پاکستان با دید منفی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. تنها چند روز بعد از سفر مودی به تهران و اعلام قرارداد سه جانبه میان ایران، افغانستان و هندوستان بود که پاکستان تصاویری از یک پاسپورت را منتشر کرد که مدعی بود متعلق به ملا اختر، رهبر پیشین طالبان است؛ پاسپورتی که مهر ورود به چند کشور منطقه از جمله ایران به تازگی بر روی آن نقش بسته بود. چنین نشانه‌هایی پیش از این هم از سوی پاکستان در زمان‌هایی که خبرهایی از همگرایی میان هند و ایران منتشر می‌شد، صادر شده بود. با این حال، سفر وزیر راه و ترابری ایران به هند که در راستای موافقت‌نامه بهار امسال در مورد چابهار اعلام شده است، آن‌هم در اوج بحران کشمیر، شاید نشانه روشنی باشد از عزم جدی ایران برای ادامهٔ این همکاری؛ هرچند با وجود پاکستان، این امر پیچیدگی‌های خاص خود را به همراه خواهد داشت.

